

چند روز قبل پنج زندانی سیاسی در اوین اعدام شدند. علاوه بر اعتصاب عمومی در شهرهای مختلف کردستان و اعتراض چند میلیون نفر علیه اعدام، موجی از ناراضی‌ت در سراسر ایران علیه این جنایت به شیوه‌های مختلف براف افکند. در خارج کشور نیز تحریکات زیادی در حمایت از اعتصاب و در اعتراض به اعدام زندانیان صورت گرفت. با این وجود دستگاه قضائی جمهوری اسلامی لیستهای بعدی خود را برای اعدام اعلام کرده است. کوره های آدم سوزی جمهوری اسلامی باید داغ بمانند، همچنانکه در سی سال گذشته چنین بوده است. حفظ نظام در گرو کشتار مخالفین و معترضین است. هر روز به بهانه ای باید سر تعدادی بیگناه را بر نیزه های خونین خود نشاند و سبعت دستگاه آدمکشی شان را در معرض نمایش شهروندان قرار دهند، تا بتوانند دستگاه ارباب خود را سرکار نگاهدارند. به این امید که به اهداف خود نائل آیند، مردم آزادیخواه تسلیم شوند و سکوت پیشه کنند.

ارگانهای سرکوب به بهانه های مختلف شمشیر را از رو بسته اند. رژیم دستگاه "قضائی"، این ماشین اعدام، را به جلوی صحنه رانده است. افسار زندانیان و شکنجه گران خود را علیه مردم، رها کرده اند. روزنامه و میدیای رژیم زمینه ادامه کاری دستگاه سرکوب را مهیا میکند و هر صفحه ۲

عجایب اعتصاب عمومی کردستان یا رندی سیاسی

رحمان حسین زاده



و این بار به نفع جبهه چپ و رادیکالیسم و مردم آزادیخواه حکم راند. این تجربه از دستاوردهای نادر و با ارزش این اعتصاب است که در ابعاد اجتماعی و میلیونی نشان میدهد که میشود صف چپ و رادیکالیسم نه پسفراول جنبشهای بورژوازی، بلکه بر عکس هدایت گر و پیشفراول مبارزات اجتماعی باشند که جنبشها و جریانهای بورژوازی از سرناچاری و برای مربوط نگاه داشتن خود به جامعه، پشت سر آن به خط شوند. این پدیده را باید به فال نیک گرفت. در عین حال به دقت ملورها و تقلابهای جریانهای ناسیونالیستی و بورژوازی، برای به کجراه بردن تحریکات اجتماعی، خاک پاشیدن در چشم مردم و تقویت پرچم سیاسی خود در دل این تحولات را دنبال کرد. به ویژه اینکه در این مورد مشخص این تقلابها فی الحال و از صفحه ۴

عاقبت و برای یکبار هم که شده جنبش و احزاب بورژوازی را پشت سر فراخوان قطب چپ جامعه دیدیم. به تجربه اعتصاب عمومی مردم کردستان در هفته گذشته اشاره دارم. از عجایب اعتصاب عمومی مردم کردستان یکی هم پیوستن لنگان لنگان احزاب بورژوا ناسیونالیست کرد به فراخوان نیروهای چپ جامعه کردستان از جمله کمیته کردستان حزب حکمیتست برای اعتصاب عمومی در کردستان بود. در تجربه بیش از سه دهه فعالیت سیاسی و کمونیستی مستقیم خود برای اولین بار می بینم جریانهای ناسیونالیست آگاه به منافع طبقاتیشان، پشت سر فراخوان نیروهایی صف میکشند

که جامعه آنها را به عنوان کمونیست و چپ میشناسد.

هر دو بخش حزب دمکرات کردستان ایران و هر دو جناح سازمان قوم پرست زحمتکش بعد از این پا و آن پا کردن و تردیدهای زیاد، با لمس این واقعیت که کل مردم کردستان حتی با فرض سکوت و بی تحرکی آنها به استقبال اعتصاب عمومی بزرگی خواهند رفت، سکوت را شکستند و با موج به راه افتاده در حمایت از اعتصاب عمومی همراه شدند. این حقیقت که تناسب قوا و اراده مستقیم مردم در دو راهی های تعیین کننده، نهایتاً بخشی از نیروی صف مقابل را هم به زیر پرچم خود و هژمونی خود میکشد، در این مورد

منصور حکمت

دمکراسی و انتخابات آمریکا

مقدمه: چهارده سال پیش منصور حکمت در مورد انتخابات در آمریکا و اروپا، دمکراسی و مکانیسم های دخالت مردم و طبقه کارگر در غرب، در متن کوتاه زیر، اظهار نظر کرده است. این اظهار نظر هنوز زنده، آموزنده و بکار برنی است. به این دلیل در آستانه هفته حکمت، آن را در این شماره کمونیست، بازتکرار میکنیم و خواندن آن را به همگان توصیه میکنیم.

کمونیست.

ستون اول

*دمکراسی و انتخابات آمریکا

یک زیبایی دموکراسی غربی برای توریست جهان سومی و شرق اروپایی و متفکرین و مفسرینی که به این نظام از همان درجه نگاه میکنند، امکانی است که این نظام برای خلاصی فرد از سیاست و انتخاب یک زندگی غیر سیاسی فراهم میکند. این را آزادی اسم میگذارند. سبمل های کلیشه ای آزادی غربی در این دیدگاه، محیطها و فعالیتها و مشاغلی هستند که در آنها خلاصی فرد از هر نوع دخالتگری دولت و جامعه و متقابلاً بی میلی اش به هر نوع دخالت در امر دولت به چشمگیرترین شکل به نمایش در میاید.



در این تلقی حقیقت مهمی نهفته است. دموکراسی غربی سیستمی صفحه ۲

اعتصاب عمومی در کردستان

آب در لانه مورچگان



ثریا شهبای

و سازمان یافتن بلادرنگ یک اعتصاب عمومی یک روزه در سراسر کردستان به رهبری جریانهای چپ و کمونیست، پاسخ و عکس العمل سریع مردمی بود که طاعون خون و جنایت جمهوری اسلامی، با اعدام و چوبه های دار و بساط شلاق آن، و با هر جناح و دسته ای، را نمی خواهند.

اعتصاب در کردستان بسرعت فضای سراسر ایران را تحت تاثیر خود قرار داد. همه و از جمله رسانه های غربی و طرفداران پادشاهی و اپوزیسیون طرفداراصلاح رژیم، مشروطه خواهان، ملی - مذهبی ها و توده - اکثریت، و مطالبه محوری ها، در مورد آن نوشته اند و می نویسند. برخی حمایت کرده اند و برخی هم به بهانه "حمایت" از اعتصاب و "محکومیت" اعدامها، باز چوب زیر بغل رژیم زده اند. طیفی از فرصت طلبان و نان به نرخ روزخوران سیاسی، ناشیانه تقلا میکنند که از صفحه ۳

فعال سیاسی، و در همدردی با بازماندگان آنها بود. با این حرکت مردم ایران بار دیگر صدای آزادی را از کردستان شنیدند. این صدا را جانیان حاکم، بیت خامنه ای و دفتر احمدی نژاد، اپوزیسیون اصلاح و نجات رژیم (دوخرداد و سبز)، دول غربی و میدیای آنها هم شنیدند. مردم در سراسر ایران احساس قدرت کردند، در دل اپوزیسیون اصلاح نظام هراس و نگرانی کاشته شد، و بر پیکر رژیم و قاتلین فرزندان مردم ریشه مرگ افتاد.

سلسله حملات متحدانه اپوزیسیون چپ و کمونیست، به سفارتخانه ها و کنسولگریهای رژیم در خارج کشور، به محض پخش خبر اعدام پنج فعال سیاسی،

شبحی برفراز ایران در پرواز است. شبح به میدان آمدن صفی برای دفاع از زندگی و سلامت مردم ایران. شبح اعلام حضور نیروی اتحاد و همبستگی میلیونی مردمی انقلابی، چپ و آرمانخواه، در کردستان علیه احکام اعدام بطور کلی و در اعتراض به اعدام جنایتکارانه پنج فعال سیاسی، شبح دست بردن به قدرت خود، و پشت کردن به میدان نزاع درون خانوادگی بین اصلاح طلبان حکومتی و جانیان در حکومت.

اعتصاب میلیونی مردم سراسر کردستان و به تعطیلی کشتادن کار و مدرسه در ۲۳ اردیبهشت، پاسخ مردم در کردستان به یک فقره از جنایات رژیم، اعدام پنج

کوره ها باید داغ ...

روز سوژه ای را از حجاب زنان تا امنیت ملی و مخاطرات برای نظم، چاشنی پیشبرد برنامه کشتار خود میکنند.

در این میان از همه ریاکارانه تر اعلام "اعتراض" جناح سبز جمهوری اسلامی است. موسوی در مورد اعدامها به "تاروشنی آئین دادرسی و قانون" معترض است. و کروی با تکرار است که سرنوشت نظام به جایی رسیده که افراد غیر مسئول حکم محارب صادر میکنند. و به این ترتیب اعتراف میکنند که در مرام این "اپوزیسیون" تمام اعدامهای سه دهه گذشته، به دلیل اینکه احکام محارب و اعدام توسط افراد مسئول صادر شده بود و یا چون احکام صادره اعدام با اتکا به آئین دادرسی صادر و اجرا شده قانونی و برحق بوده است. و مگر کسی تردیدی داشت که کروی و موسوی پاره تن خود رژیم اند. اعتراض این آقایان به زندان و حکم اعدام، بلکه تنها به احکام صادره علیه جناح سبز جمهوری اسلامی و مخالفین موافق نظام است. اینها هنگامی که سر کار بودند در جنایات و سرکوب شریک بودند، امروز هم به آن مقننند چرا که هم مراجع مسئول حکم محارب صادر کرده بود و هم احکام اعدام و اجرای آن مطابق آئین دادرسی و قانون صورت گرفته بود.

در مقابل موج سرکوب جمهوری اسلامی باید ایستاد. ماشین سرکوب و کشتار را میتوان از کار انداخت. اما این کار جنبشی است که با اعدام تحت هر شرایطی مخالف است. بخشی از مخالفان جناح حاکم جمهوری اسلامی خود پرونده بهتری از یاران حاکم خود ندارند. بخشی از جریان اپوزیسیون جمهوری اسلامی نیز خود با هر غرولندی که علیه اعدام میکنند به دستگاه سرکوب و تحمیل خود و حفظ نظام مبتنی بر ستم کشی و استثمار، امر مشترک کل بورژوازی ایران از حاکم تا اپوزیسیون است. خاتمه دادن به سرکوب و به رسمیت شناختن حق مردم در ابراز عقیده و بیان و اعتراض، و آزادیهای بی قید و شرط سیاسی، تنها خواست طبقه کارگر است، که در وجود اختناق سیاسی کمترین نفعی ندارد.

کمونیستهای و طبقه کارگر نیروی اصلی و جدی علیه اختناق، علیه اعدام و سرکوب اند. به همین دلیل کار اصلی و بستن سد در مقابل ماشین سرکوب و سیر تعرض به آزادیهای سیاسی در جامعه قبل از هر کس بر دوش این طبقه است. در شرایط کنونی و با

جدالها و صف بندیهای مختلفی که صورت گرفته است، طبقه کارگر در دفاع از خود، در دفاع از حقوق حقه مردم و علیه زندان و اعدام باید با صف مستقل خود به میدان آید. برای این کار باید نیروی خود را جمع کند، به جنبش مستقل خود شکل دهد و صف خود را تحکیم بخشد. تضمین مقابله جدی با اعدام و کشتار مردم، شکل گیری و جمع شدن نیروی آن جنبشی است که عمیقاً با هر اعدام و اختناق مخالف است. و این در جامعه ای مثل ایران، جز صف آگاه و متحد طبقه کارگر جنبش دیگری را شامل نخواهد شد.

تحركات امسال اول مه و بیان خواست و مطالبه خود کارگران و جمع شدن حول آنها و نه گفتن به جناحهای مختلف بورژوازی ایران قدمی در این راه بود. اعصاب عمومی مردم آزادخواه در کردستان و جواب مثبت دادن به فراخوان نیروهای سیاسی و در راس آن احزاب چپ جامعه از جمله حزب حکمیت قدمی جدی برای بستن سدی علیه تعرض ارتجاع حاکم بود. تجربه اعصاب عمومی امسال نمونه خوب و بسیار برجسته ای از به میدان آوردن مردم در دفاع از منافع خود آنها و در این مورد علیه اعدام بود.

بهانه تعرض رژیم اختلاف با جناح سبز یا هر چیز دیگر باشد، اولین قربانیان آن کارگران و مردمی هستند که مخالف کل جمهوری اسلامی و خواهان زندگی انسانی و مرفه هستند. مخالفان واقعی و بنیادی سیستم و نظام حاکم، نه جناب رفسنجانی و موسوی و کروی و نه کل اپوزیسیون بورژوازی، بلکه طبقه ای است که با نابرابری و ستم و سیستم مبتنی بر کار مزدی از پایه نشمنی دارد. این نیرو باید روی پای خود شکل بگیرد و علیه اجحافات و نابرابری و اینجا علیه اعدام و اختناق به میدان آید. برن این طبقه و هر بخش از آن با هر اسم و به هر بهانه ای، زیر پرچم سایر جنبشها، پشت کردن به این طبقه است.

چشم امید دوختن به برکات سبز و رفسنجانی و موسوی و کروی که در مقابل ماشین کشتار رژیم سد ببینند، توهم مرگباری است. درجه اتحاد صفوف ما کارگران، میزان توان و قدرت مبارزاتی ما در گرو بالا رفتن خودآگاهی صفوف این طبقه به منافع خود و به همسرنوشتی خود و به توان و قدرت متحد صفوف خود است. گام به گام باید صفوف خود را آماده کنیم و در دل اعتراض و جدال هر روزه این طبقه علیه نظم موجود باید نیروی خود را متحد کنیم و به آن متکی شویم. این تنها تضمین افزایش توان مقابله با ارتجاع حاکم و بستن سد در مقابل یورش جمهوری اسلامی است.

دمکراسی و انتخابات ...

در طول چهار سال آینده قرار است به اجرا در آید نه به رای گذاشته میشود و نه حتی اساساً به اطلاع مردم میرسد. مقامات مسئول نهادهایی بسیار حساس و تعیین کننده، نظیر قضات دیوان عالی کشور، روسای ارتش و سازمانهای پلیسی و امنیتی، اصولاً انتخابی نیستند. بعد از انتخابات، مردم، چه اقلیت رای دهنده و چه اکثریت خاموش، سیاسی ای باید سازمان یابد. تصور کنید برای محدود کردن مقامات عالی کشوری به یک الیت سیاسی از پیش معلوم چند ده نفره و محروم کردن عامه مردم، کارگران، زنان، اقلیتهای نژادی و غیره از حق تصدی مقامات عالی کشور، چه بساط شکنجه و اعدام و چه قوانین آشکارا تبعیض آمیزی باید علم شود.

حال به صحنه انتخابات آتی آمریکا نگاه کنید. قریب دو سوم از مردم به پای صندوقها نخواهند رفت. هیچ رئیس جمهوری در آمریکا با رای اکثریت مردم انتخاب نخواهد شد. صحنه سیاسی کشور تحت تسلط دو حزب و فقط دو حزب است که جناحهای دوگانه یک هیات حاکمه واحد و یک قشر ممتاز اقتصادی بالنسبه کوچک را نمایندگی میکنند. برای شرکت بعنوان کاندید در انتخابات ریاست جمهوری، لاقلاً شصت میلیون دلار پول لازم است. و البته انصافاً هر کس که بتواند این شصت میلیون را، چه از محل ارث پدری و چه با بند و بست با محافل سرمایه داری رنگارنگ و پیش فروش کردن سیاستهای دولت آتی، پیدا کند، میتواند آزادانه خود را کاندید کند. در تمام طول حیات این دمکراسی هرگز یک زن رئیس جمهور نشده و حتی کاندید ریاست جمهوری نبوده است. رئیس سابق ستاد ارتش و قهرمان ملی میداند که کاندید شدنش بعنوان یک "ورگه" توسط محافل بالا تحمل نمیشود و میتواند خطرات جانی در بر داشته باشد. هیچیک از سیاستهایی که

برنامه رادیو پرتو

جمعه: ۳۰ اردیبهشت برابر با ۲۱ ماه مه

اعتصاب عمومی کردستان، پیامدهای سیاسی آن و واکنش احزاب و جریانات مختلف: رحمان حسین زاده و عبدالله دارابی

سرکوب جمهوری اسلامی از اعدام در اوین تا توطئه با اینترپل: ثریا شهبلی

هفته منصور حکمت: خالد حاج محمدی و اعظم کم گویان

انتخابات انگلیس، کشمکشهای اصلی و چشم اندازها برای کارگر و مردم انگلیس: امان کفا

ساعت پخش رادیو جمعه ها ۱۸ تا ۲۰ به وقت لندن

www.radiopartow.com/wp

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

اعتصاب عمومی در کردستان....

تحرك مردم در كردستان نمدی برای كلاه بی ارج خود بپوزند. پلپهاند اجباری و از سرناچاری اپوزیسیون طرفدار اصلاح رژیم به میدان مبارزه علیه اعدام، میدانی که محل ابراز وجود آنها نیست، آبی بود که به لانه مورچگان سرازیر شد. این جماعت را هراسان از لانه های خود بیرون کشید و بدون حفاظ و پوشش تمام قد در مقابل قضاوت مردم قرار داد.

اظهارات برخی از سازمانها و فعالین اپوزیسیون طرفدار اصلاح رژیم، در "حمایت" از مبارزه مردم علیه اعدام را بخوانید:

۱ - "شورای فعالان ملی - مذهبی ایران" که ریاست آن را عزت الله سبحانی بر عهده دارد، با انتشار بیانیه ای "ضمن تصریح بر تفاوت فکری و خط مشی سیاسی" این شورا با پنج اعدامی اخیر، علت محکوم کردن این اقدام را تأکید بر "حقوق انسانی و شهروندی" آنها اعلام کرده است. آقای سبحانی مزاح میفرماید! ایشان ابتدا در مقابل "جرم و اتهام" اقدام علیه اعدام، از خود رفع اتهام میکنند. میفرمایند علت و شان نزول بیانیه آنها نه مخالفت با اعدام، که فرمول پاختورده و بی خاصیت "حقوق انسانی و شهروندی" است. این شورا پیشتر هم خواستار رسیدگی کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل به "پزادداشت های خودسرانه، اعدام های فراقانونی و شکنجه در ایران" شدند. و طی یک عملیات مهورانه عزت الله سبحانی، به مقامات جمهوری اسلامی توصیه کرده است که برای حفظ حاکمیت و جلوگیری از "تضعیف نظام جمهوری اسلامی" محمود احمدی نژاد را برکنار کنند. این رجل حقوق بشری ملی - مذهبی و طرفدار قانون اساسی خود به زبان بی زبانی میفرماید که تنها مخالف اعدام و شکنجه غیرقانونی، یعنی مخالف اعدام طرفداران نظام، اند.

و اگر در مورد اعدام فعالین سیاسی مخالف نظام، از سر ناچاری، عکس العمل نشان میدهند تنها و تنها برای جلوگیری از تضعیف نظام و برای نجات آن است. فرمایشات این رجل سیاسی ایران، نسخه "جهان سومی"، ملی - وطنی طرفداری از "حقوق بشر" به سیاق غرب است. سبحانی حاضر نیست به ریسک کپی برداری درست از مواضع آموزگاران خود در غرب، امثال عفو بین الملل و کمسیون حقوق بشر و... بن بدهد و حداقل در حرف، اعدام را بطور کلی و برای تأکید کرده اند که خواستار حل

همه، محکوم کند. نمی تواند همچون صاحبان انواع کنوانسیون های بی خاصیت حقوق بشر در غرب، در مورد اختلاف مواضع سیاسی با قربانیان این اعدامها، موقتا هم که شده، نندان روی جگر بگذارد. یک طرفدار پروپاقرض قانون اساسی ایران، قانونی که اساس و بنیاد آن بر مجازات های اسلامی و اعدام و تعزیر و اختناق است، یک موافق نظام، نمی تواند مخالف اعدام بطور کلی باشد. انتظار این درجه از آزادیخواهی، حتی صوری، از این جماعت و هم است. این ها به فضای منتق زنده اند.

۲- فرمایشات "شورای هماهنگی اصلاح طلبان کرد"، هم خواندنی است. مقدمتا در معرفی این طیف، این ها شاخه های محلی، استانی و شهرستانی اپوزیسیون طرفدار اصلاح رژیم در مرکز اند. شورایی که معمولا در مرکز شامل رئیس جمهورها و امامان جمعه و وزرا و مراجع عالیقدر قوای سه گانه و رؤسای زندانها و وزارت اطلاعاتی های سابق است، و در استنها و شهرستانها کلوب سیاسی استانداران و شهرداران و رؤسای سابق دوائر دولتی. نسخه جعل مرکب موضع سبحانی را از اصلاح طلبان کردستان بخوانید.

"شورای هماهنگی اصلاح طلبان کرد" هم ضمن تقدیر از زحمات موسوی و زهرا رهنورد در بیانیه ای، مخالفت خود را با "هر نوع روش و حرکتی که موجب ایجاد فضای خشونت شود" اعلام کرده اند و از مقامات قضایی خواسته اند که از "غیر قانونی و غیرعادلانه و پلیمال شدن حقوق شهروندی" جلوگیری کند. تبحر و مهارت زیادی بکار رفته است که با کمترین خسارت کلام، دلفک وار در کنار مبارزه مردم علیه اعدام عکس گرفت. حنای این جماعت در کردستان بی رنگ تر از آن است که بتواند به اعتراض برحق مردم رنگ سبز و پیروی از موسوی بیاشند.

و بالاخره:

۳ - دگراندیشان ملی - مذهبی، توده - اکثریت، که خود را "جمعی از استادان و روشنفکران ایرانی خارج از کشور" نامیده اند، در بیانیه ای در مورد اعدامها و اعتصاب در کردستان میفرمایند:

"در پایان این بیانیه، امضا کنندگان حقوق بشر و... بن بدهد و حداقل در حرف، اعدام را بطور کلی و برای تأکید کرده اند که خواستار حل

کمین ایست

معامله بر سر آزادی قاتل

شاهپور بختیار

محکوم است

دولت فرانسه طی بند و بستنی با جمهوری اسلامی ایران، علی وکیلی، قاتل شاهپور بختیار را آزاد و به ایران تحویل داد.

گفته میشود که آزاد کردن این تروریست و جانی، بنیال معامله بر سر آزادی یک تبعه فرانسوی، صورت گرفته است.

مردم ایران و اپوزیسیون جمهوری اسلامی، میلیونها مردمی که قربانی و بازمانده زندان و شکنجه و قتل و ترورهای جنایتکاران جمهوری اسلامی در ایران و در خارج کشورند، هر نوع معامله و بده بستنی بر سر آزادی تروریست های دستگیر شده را، تعرضی به امنیت فعالیت سیاسی خود در ایران و در خارج کشور میدانند.

علی وکیلی و همه قاتلین مردم، باید علنا در محضر مردم ایران محاکمه شوند و پاسخ گوی جنایتشان باشند.

کمپین ایست به توطئه تروریستی جمهوری اسلامی، دولت فرانسه و اینترپل را در مورد آزادی قاتل شاهپور بختیار و نا امن کردن محیط فعالیت اپوزیسیون جمهوری اسلامی در ایران و در خارج کشور مسئول میدانند.

"کمپین ایست" از همه احزاب، شخصیت ها و نهادهای مخالف تروریسم میخواهد که این معامله کثیف و همکاری رسمی اینترپل با جمهوری اسلامی، علیه اپوزیسیون سیاسی، را محکوم کنند.

کمپین ایست به توطئه تروریستی

جمهوری اسلامی،

۲۰ مه ۲۰۱۰

Stop the Conspiracy of the Islamic Republic of Iran and INTERPOL

www.stopterrorism.org

آمریکای شمالی، تلفن: ۰۰۱۴۱۶۸۱۶۷۲۰۱

اروپا، تلفن: ۰۲۰۳۲۸۷۳۵۵۸ (۴۴)

stop.terror.conspiracy@google.com

stop.terror.conspiracy@google.com

مشکلات کنونی ایران با "پرهیز از خشونت از جانب هر دو طرف" هستند. در میان امضاء کنندگان این بیانیه نام افرادی همچون رامین جهانبگلو، مهرانگیز کار، سعید رهنما، نیکی کدی، محمود کریمی حکاک، منصور معدل، مهرزاد بروجردی و تورج دریایی به چشم می خورد."

پرهیز از خشونت از هر دو طرف! کدام طرف دیگر؟ کدام خشونت؟ آنهم در مورد ایران و چوبه های دارش، با احکام شلاق علیه فعالین کارگری و مدافعین حقوق زن، با اعتراف بگیری زیر شکنجه از دانشجویان معترض و میدانهای سنگسار و شکنجه گاههای قرون وسطایی اش، آنهم در طول سی سال! جایی که بسیاری مرگ شرافتمندانه به زندگی در چنین جهنمی را به جان خریدند. خشونت از هر دو طرف! چه کلمات شیک، "تسلی بخش و آرامشجویی"! چه شرافت به حراج رفته ای! چه موضع مهوع و مشام آزاری، چه صف گنبدیده و تهی از شرافتی!

این جماعت، از سبحانی تا خاتم کار، کلید و رمز پذیرفته شدن در بارگاه بورژوازی غرب، برای اختصاص یک کرسی کنفیداتوری دیگر برای دریافت انواع جوایزی که بورژوازی غرب برای این نوع "اپوزیسیون" کنار گذاشته است، را یافته اند. با تمام بهره کم شان از هوش و دانایی، دریافته اند که فعالیت در راه "گذار مسالمت آمیز" از ارتجاع حاکم به ارتجاع نوع دیگری مطلوب غرب، در حمایت کامل رسانه های دست راستی چون بی بی سی، را چگونه میتوان پیش برد. میدانند فعالیت های "مسالمت آمیز" از نوع تحریم و به گرسنگی گذاشتن مردم، یا توسط جنگ و آژانسازی به شیوه عراق، به شرط سوار شدن بر موج اعتراضات بر حق مردم، دروازه شناسی را بر روی این صنف باز میکند. همچون ما، اطمینان دارند که این تنها شناس واقعی این جماعت برای "ظفرمندی" است!

مردم، طبقه کارگر و کمونست ها با سازمان دادن مبارزه مستقلانه و آزادیخواهانه خود، در این شانس را برویشان خواهند بست. اعتصاب عمومی در کردستان بار دیگر نشان داد که در ایران بورژوازی آزادیخواه و مترقی، کرد یا فارس، در مرکز یا در استان، وجود خارجی ندارد.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

عجایب اعتصاب عمومی ...

همان آغاز کار، براه افتاده است. مردم در کردستان و سراسر ایران تجربه پرهزینه و خونباری از بند و بست های این جریان با انواع محافل ارتجاع در حاکمیت یا در اپوزیسیون دارند.

مصادره اعتصاب عمومی به نفع جنبش سبز موقوف

جنبش جاری سبز، ادامه تحرک اصلاح طلبان حکومتی است که زمانی تحت نام دوم خرداد و امروز با پرچم سبز از سهم خود در اداره اقتصاد و سیاست کشور، ناراضی است. سبز اعتراض "نورچشمی های امام" امثال رفسنجانی و ختلی و موسوی و کروبی و گنجی و سروش و مهاجرانی و سازگارا و مخملباف، است که با پلاتفرم درجه ای از تعدیل مورد نظر بورژوازی غرب (گنایش فرهنگی، تاجریسم اقتصادی) پا به میدان گذاشته است. مطالبه سبز بازی دادن و میدان دادن بیشتر به خودشان و اپوزیسیون بورژوازی، است تا در چارچوب قانون اساسی بلکه جمهوری اسلامی نوع دومی بسازند.

اپوزیسیون مستأصل راست و چپ بورژوازی، از سلطنت طلبان و مشروطه خواهان و جمهوریخواهان تا شاخه های مختلف چپ بورژوازی و ناسیونالیستهای کرد و طرفداران حقوق "خلفها"، به امید تحقق یک انقلاب مخملی و از این طریق رسیدن به نان و نوابی، حول پرچم سبز گرد آمده اند.

تحرک خیابانی آنها حول "مرگ بر دیکتاتور و خامنه ای" و "مرگ بر دولت کوتا"، در بهترین حالت چیزی جز کارت اعمال فشار سران این جنبش برای معامله گری در بالا و جابجایی در سیستم قدرت موجود نیست. واضح است مطالبات زنان، جوانان، کارگران و خواست بهبود زندگی اکثریت جامعه، به اذعان فعالین رادیکال همه این عرصه ها، جایی در این جنبش ندارد و این منطق طبقاتی و سیاسی جنبش سبز است. هنگامی هم که فعالین سبز تحت فشار توقعات مردم حرفه ای کلی در "دفاع" از بخشهای مختلف جامعه میزنند، همانطور که در "اول مه" دیدیم، اما کمونیستها و دیدیم، گویهای توخالی برای عوامفریبی نیست.

اعتراض موسوی به رعایت نکردن "آیین دادرسی" در جریان اعدام پنج فعال سیاسی، جنایتی که مردم کردستان در اعتراض به آن بپا خاستند، پوچ بودن اعتراض نوع جنبش سبزی به اختناق و سرکوب روزمره را نشان میدهد. چنین جنبشی با چنین سابقه و کاراکتری را نمیتوان با جنبش اعتصابی مردم کردستان در یک کیسه ریخت.

اعتصاب عمومی مردم کردستان نه بخشی از جنبش جاری سبز، برعکس برحسب سابقه و ریشه آن، دقیقاً در تقابل با سابقه و کاراکتر جنبش سبز است. اعتصاب عمومی مردم کردستان ریشه در مبارزه برحق و آزالیخواهانه، نه تنها مردم کردستان بلکه مردم

سراسر ایران در مقابل زور و سرکوب و اجحاف و استثمار کلیت جمهوری اسلامی، بعنوان یک رژیم بورژوازی هار و ضد انسانی، دارد. اعتصاب عمومی کردستان، کاراکتر، رهبری، پلاتفرم و سیاست چپ در آن، نه ریشه در تلاش "همه کردها" بلکه ریشه در حق طلبی بخش رادیکال و چپ در جامعه کردستان و در ایران دارد. این اعتصاب عمومی و با وجود گرایشات مختلف درون آن، نهایتاً حلقه ای از یک جنبش وسیع اجتماعی حق طلبانه و رادیکال است که بیش از سه دهه است ما کمونیستها با تلاش و فداکاری ساخته ایم. و اجازه نمیدهیم آن را در مقابل جنبش سبز قربانی کنیم. اعتصاب عمومی مردم کردستان نقطه مقابل جنبش سبز است. نباید اجازه داد این دستاورد بزرگ به نفع جنبش سبز، موسوی و رفسنجانی، و اطاق فکریهای آن مصادره شود. این اعتصاب قدرتمند، ناسیونالیسم در کردستان و بورژوازی اپوزیسیون در سراسر ایران، را به تمکین کشاند. باید هوشیار باشیم! ناسیونالیسم تمکین کرده، تلاش میکند تحت لوای "کرد و کردستان" به جنبش مان رنگ سبز بزند. نباید اجازه داد این تلاش ارتجاعی پا بگیرد.

تمکین بورژوا ناسیونالیسم کرد در مقابل اعتصاب عمومی تجربه ای جدید است، متأسفانه در تاریخ مبارزه طبقاتی و سیاسی چه در ایران و چه در سطح جهان، ماجرا غالباً بر عکس بوده است. به کرات جبهه چپ و رادیکالیسم پشت سر جنبشها و احزاب بورژوازی به صف شده اند، و قربانی توهم تاریخی خود به نسخه های نجات بخش بورژوا-ناسیونالیستی شده اند. نمونه متاخر آن، تبدیل شدن بخش اعظم چپ ایران به نیروی نخبه جنبش بورژوازی سبز است.

اعتصاب عمومی مردم کردستان ادامه اعتصاب عمومی ۲۸ مرداد سال گذشته، و از جنس مبارزه و مقاومت انقلابی چپ و کمونیسم در کردستان در تمام طول حاکمیت جمهوری اسلامی است و تجربه متفاوت و متمایزی است.

اعتصاب عمومی مردم کردستان و جنبش متفاوت، متمایز، آزادیخواهانه اعتماد بنفس پیدا کرده و پا به عرصه اجتماعی گذاشته است. تحرکی که جامعه ایران و افکار عمومی جهانی را متوجه خود کرده است. سرآغاز جنبش متفاوت اجتماعی است که قریب به یکسال است ما کمونیستها و حزب حکمونیست آن را فراخوانده ایم و تلاش کرده ایم که در مقابل جنبش سبز، آن را به میدان بیآوریم.

امروز برای چپ ایران و برای کسانی از سر منفعت طبقاتی و سیاسی، یا به خاطر "سرگیجه تئوریک"، پیدایش چنین روند قابل تفکیکی در تقابل با جنبش سبز برایشان قابل درک نبود، فرصتی فراهم شده است که بازگردند و اعتصاب عمومی میلیونها انسان ستمکش و دردمند جامعه کردستان را که با فراخوان چپ علیه اعدام و علیه کلیت جمهوری اسلامی به میدان آمد را ببینند. و تفاوت آن را با جنبش سبز متاخر از پلاتفرم و سیاست و فراخوان بخشی از بورژوازی و نمایندگان آن، از موسوی و کروبی و رفسنجانی تا گنجی و مهاجرانی و سازگارا و شیرین عبادی و سلطنت طلبان و جمهوریخواهان و توده - اکثریت، ببینند. با چشمان باز این دو نوع تحرک اجتماعی و جنس و سیاستهای متفاوت حاکم بر آنها را ببینند و از آن درسی بگیرند.

روند شورانگیز قد علم کردن صف متفاوت کارگری را در اول مه دیدیم و اکنون با اتکا به تجربه اعتصاب پیرومند کردستان روند قد علم کردن تحرک توده ای متفاوت در کشمکشهای اجتماعی جامعه را می بینیم. کارگر آگاه و کمونیستها با تشخیص این روندها، لازمست با دخالت خود قدم به قدم این تحولات را به نفع جنبش آزادی و برابری هدایت کنند.

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمونیست

سرمدیبر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

زنده باد سوسیالیسم